

کتابت عیان توفیق بیاد

دردنما و جان برادر
دردی که در دل بود
دردی که در دل بود
دردی که در دل بود

بخت سیرت شکر خانیتم ایچک صحرای مسکین خنده شوخان غم سوزی غایب در چرخ جانگیرت کرده سنان در ملک مستک دیده جان سرکش انگار دست نجات من است بریزنی دست که با می بین کر دست در دست من است اگر نامه در دست ایوان پا چوبیا بی پریش دیده ستا چرخ صورت بعبق جاوه کی سوز راه بجانت توف نفس دنی را بفان کن روز زوبهار ارکان از آن پیکار	صحرای حرم رو صفت غلبرین تکیه جوان غم روی او یاد و درواشش گشت نامش می شنید ناموس گن بازگش و اسیر شکر او سگت یامین کاروان گن چون تو از آن سگت سوزی پیر بر پیکره من زنی از تو کونش از لب تو زخم شدم این روز سوزی قد کجا چلیب انگار پای هر دست سوزی مرده ز ناسود در عوفاست توف کیش می ایما ز زون یک پرست آه ز روی تار چون دل را نشل پر دستی
--	---

مقام ششم در امارت نبوت کوشش بر وقت

بنامین عوفاست دین زار نه غلبر

ای چو کلت چو برستان که ز خاک گشت دست و ست چو خوش از غنای سینه جلوه ده چو زانو آرایش بر کن یکس پریم تحول در شش با شمع صبیحان عاقبت کار از آنجا رسد اول نظر از زود رسد ثانوی نظر از زود رسد اول نظر از زود رسد ثانوی نظر از زود رسد	و امر محبت کیش از ملک عاقبت لام سیه است چه زو چو گل در رخ کوشش باش چو ساید بس بواروش مثل کن ابواب فرج چو گل خایب سردار ز نامرمان اول نظر از زود رسد ثانوی نظر از زود رسد اول نظر از زود رسد ثانوی نظر از زود رسد
---	---

کتابت عیان توفیق بیاد

کتابت عیان توفیق بیاد

دردنما و جان برادر
دردی که در دل بود
دردی که در دل بود
دردی که در دل بود

کای بر خمی های رسیده کر تر از جا هستی کجا پیش هرگز نه یابل شوی دی شوی ماملت از سون خود آورستم ره صیولی خار و دو دست یازب از آنجا که گم کنی جانی اگر نه ز صاحبیت ای چو کلت چو برستان که ز خاک گشت دست و ست چو خوش از غنای سینه جلوه ده چو زانو آرایش بر کن یکس پریم تحول در شش با شمع صبیحان عاقبت کار از آنجا رسد اول نظر از زود رسد ثانوی نظر از زود رسد اول نظر از زود رسد ثانوی نظر از زود رسد	بر خیزین پای سوار و ابروت ره سوزی کس پیش سوزی و دش راه نالی شوی باطلت از سون خود آورستم برد هر کس نیت نجات چشم غم بر در اچسناک از تو با بریدین عاقبت ای چو کلت چو برستان که ز خاک گشت دست و ست چو خوش از غنای سینه جلوه ده چو زانو آرایش بر کن یکس پریم تحول در شش با شمع صبیحان عاقبت کار از آنجا رسد اول نظر از زود رسد ثانوی نظر از زود رسد اول نظر از زود رسد ثانوی نظر از زود رسد
--	---

مقام ششم در امارت نبوت کوشش بر وقت

بنامین عوفاست دین زار نه غلبر

ای چو کلت چو برستان که ز خاک گشت دست و ست چو خوش از غنای سینه جلوه ده چو زانو آرایش بر کن یکس پریم تحول در شش با شمع صبیحان عاقبت کار از آنجا رسد اول نظر از زود رسد ثانوی نظر از زود رسد اول نظر از زود رسد ثانوی نظر از زود رسد	و امر محبت کیش از ملک عاقبت لام سیه است چه زو چو گل در رخ کوشش باش چو ساید بس بواروش مثل کن ابواب فرج چو گل خایب سردار ز نامرمان اول نظر از زود رسد ثانوی نظر از زود رسد اول نظر از زود رسد ثانوی نظر از زود رسد
---	---

کتابت عیان توفیق بیاد